

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

حیدر اختر

۰۹ جون ۲۰۱۲

مرگ آخرین قافله سالار موسیقی غزل در افغانستان

استاد عبدالمحمد هماهنگ

هنرمندی که نیم قرن است آواز هنرنمایی کرد

چشمان دوستداران موسیقی در افغانستان وبه خصوص در خارج از کشور پراشک شد و دل‌های شان تپیدن گرفت تا خبر مرگ آخرین قافله سالار موسیقی غزل افغانستان یعنی استاد عبدالمحمد هماهنگ را از طریق رادیو ها و یا تلویزیون های شان شنیدند.

این تنها خرابات و خراباتیان نیست که در ماتم وسوگ نبود استاد بزرگ موسیقی نشسته اند بلکه تمام دوستان و علاقه مندان هنر و آواز استاد هماهنگ در سراسر جهان اندوه گین شده اند.

هندوستان ، در طول چند سال شاهد فرو ریزی پایه ها و دیوار های خرابات هستند که یکی پی دیگری از بین رفته و استادان مشهور و نامدار موسیقی ما جای شان را خالی گذاشتند.

باز هم شنیدیم که خرابات در سوگ نشسته و یکی دیگر از هنرمندان و الایش را از دست داده است که جایش برای همیشه در جمع هنرمندان خالی خواهد بود

حاجی عبدالمحمد ویا بهتر گفته شود استاد عبدالمحمد هماهنگ نام آشنا و پراوازه برای همه علاقه مندان هنر موسیقی بوده و می باشد. وی بیشتر از نیم قرن است که با صدای صاف و رسای خویش در دل مردم جا داشته و دارد .

عبدالمحمد مشهور به بچه طلا در سال ۱۳۱۶ هجری خورشیدی در گذر خواجه خوردک یا خرابات امروزی دیده به جهان گشود. پدرش طلا محمد نام داشت از اینرودر آغاز، در بین دوستان و هم در گذر خرابات به نام « عبدالمحمد بچه طلا» یاد می شد.

پدر هماهنگ در آغاز آواز خوانی می کرد و بعدها منحیث دلبر با نواز در گروه های هنری سهم می گرفت. زمانی که عبدالمحمد دوره طفولیت را گذشتاند پدرش وی را نزد محمد غازی جهت فرا گرفتن هنر طبله نوازی به شاگردی نشانند و بیشتر از چار سال بانگشتان کوچکش بر روی زیر وبم طبله هنر آفرینی کرد، زیر ا پدرش می دانست که یک هنرمند به خصوص هنرمندی که بخواد سر اینده شود نخست باید به تال های طبله بلدیت داشته باشد و موقع

خواندن بداند که طبله نواز کدام تال را می نوازد و یا آهنگی که می خواند با کدام تال خوانده شود و یا به اصطلاح می چسبد .

عبدالمحمد

مشهور به بچه

طلا نخست

نزد استاد رحیم

بخش زانوزد

وازان استاد

گرامی چیز

چیزی را فرا

گرفت مدت

زیادی دوام

نکرد که وی

به حلقه

شاگردان استاد

شیدا پیوست



واستاد شیدا از آواز رسای عبدالمحمد حظ می برد بناءً تخلص « شیدائی » بروی گذاشت ومدت زیادی به نام عبدالمحمد شیدائی هنرنمایی کرد. سرانجام عبدالمحمد نزد استاد محمد حسین سراهنگ سرتاج موسیقی افغانستان «گر» ماند واستاد سراهنگ تخلص هنری اش را از « شیدائی به هماهنگ » تبدیل نمود و تا آخرین روزهایی که استاد حیات داشت از وی استفاده کرد و به معلوماتش در بخش موسیقی کلاسیک به خصوص در غزل خوانی افزود. خوب به خاطر دارم که در یکی از محافل موسیقی که در کوچه خرابات کابل برپا شده بود و در آن محفل استاد فتح علی خان نیز حضور داشت در جمع هنرمندانی که مجرائی دادند یکی هم عبدالمحمد هماهنگ بود که راگی را به زیبایی خواند که مورد علاقه شرکت کنندگان محفل قرار گرفت وزمانی که هماهنگ ستنیز را ترک می گفت ، استاد فتح علی خان بغل را باز کرده هماهنگ را در آغوش کشیده و هنرش را تحسین کرد «۱»

عبدالمحمد هماهنگ بعد از آن که فربضه حج را ادا نمود به نام حاجی هماهنگ شهرت یافت. با اجرای آهنگ های شاد در محافل خوشی هموطنان و مجالس رسمی روزه روز در دل مردم جا پیدا می کرد و به علاقه مندانش افزوده می شد. حاجی عبدالمحمد هماهنگ طی مصاحبه ای بایکی از بر نامه ها گفته بود، که زمانی دولت در کابل آزادی زنان را اعلام داشت و زنان می توانستند بدون چادری در اجتماع داخل شوند وی در همان روز در باغ زنانه کابل برنامه داشت و وی از طریق مکروفونی که در اختیار داشت این آزادی را برای خانم ها تبریک گفت بود . «۲»

عبدالمحمد هماهنگ در طول فعالیت های هنری اش از مقام وزارت اطلاعات و فرهنگ و رادیو افغانستان به اخذ جوایز هنری نایل آمده است .

۱) جایزه درجه دوم در آواز خوانی کلاسیک در سال ۱۳۳۶ هجری خورشیدی از ریاست مستقل مطبوعات

وقت .

۲) جایزه درجه اول در آواز خوانی فولکلوریک در سال ۱۳۴۲ از ریاست رادیو افغانستان .

۳) جایزه هنری به اساس آرای مردم در سال ۱۳۴۷ هجری خورشیدی از رادیو افغانستان

۴) جایزه اول آوازخوانی در ماه اسد سال ۱۳۶۲ هجری خورشیدی از کمیته دولتی کلتور رژیم وقت. «۳»

به یاد دارم که در سال های ۱۳۴۸ هجری خورشیدی رادیو افغانستان برنامه موسیقی غزل داشت و در این برنامه هنرمندان ممتاز به رادیو افغانستان آمده و برای نیم ساعت غزل های ناب را ثبت می کردند و این برنامه بعد از ختم اخبار فارسی یعنی حوالی ساعت ۹ شب از طریق امواج رادیو انتشار می یافت.

در یکی از روزها نوبت استاد عبدالمحمد هماهنگ بود که جهت ثبت به رادیو بیاید. حاجی عبدالمحمد هماهنگ درحالی که چین سبز و پیراهن دلبان سفید دربر داشت وارد استدیو های رادیو شد درحالی که چشمانش اشک آلود بود به متصدی برنامه گفت که امروز من غزل نمی خوانم بلکه می خواهم آهنگ فلکلوری «آهسته برو» و هم یک چاربتی «شمالی» را می خوانم.

متصدی برنامه قبول کرد و استاد عبدالمحمد هماهنگ درحالی که چشمانش پر نم بود با یک سوزی که در دل داشت این دو آهنگ را خواند و چه زیبا خواند که تا امروز در آرشیف رادیو افغانستان موجود است. «۴»

استاد عبدالمحمد هماهنگ به اثر جنگ های داخلی افغانستان را ترک گفته به کشور همسایه پاکستان مهاجر شد. در ایام مهاجرت هم مردمش را فراموش نکرده جهت اجرای کنسرت ها به کشور های امریکا، المان، استرالیا، فرانسه، هالند، کانادا، پولند و مسکو سفر نموده و کنسرت هایی را اجراء نموده است.

باشرایط نسبتاً بهتری که بعد از سال ۲۰۰۱ نصیب افغانستان شد دوباره به افغانستان برگشت ولی خیلی ضعیف و ناتوان، هماهنگ دیگر آن شور سابق را نداشت زیرا مشکلات مهاجرت همه چیز را از وی گرفته، مریض و علیل شده بود سه سال قبل نسبت مریضی قلبی که عاید حالش شده بود جهت تداوی به هندوستان رفت و بعد از عملیات قلب دوباره به وطن برگشت. ولی مریضی قلبی و شکر دامنش را رها نکرد تا این که شب ۱۷ جوزای سال ۱۳۹۱ مطابق ۶ جون ۲۰۱۲ میلادی داعی اجل را لبیک گفته و به روز پنجشنبه ۱۸ جوزا در شهدای صالحین محترمانه به خاک سپرده شد. روحش شاد و یادش گرامی باد!

مآخذ :

- ۱) خاطره نویسنده .
- ۲) مصاحبه استاد هماهنگ با رادیویی بی سی
- ۳) سرگذشت موسیقی معاصر افغانستان نوشته استاد مددی
- ۴) خاطره نویسنده .

۲۰۱۲/۰۶/۰۷